

آموزش تفکر و خردورزی با رویکرد

تفکر و تربیت اسلامی

دکتر محبوبه سلیمان پورحیدران

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد بجنورد

دکتر حسین فکوری حاجی یار

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد آزادشهر

سرشناسه	: سلیمان پور عمران، محبوبه، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: آموزش تفکر و خردورزی با رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی / محبوبه سلیمان پور عمران حسین فکوری حاجی یار.
مشخصات نشر	: مشهد: پیام اندیشه، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۶ ص.
شابک	: 978-600-6616-75-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۳۲ - ۱۳۶؛ همچنین به صورت زیرنویس:
موضوع	: اندیشه و تفکر -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: اندیشه و تفکر
موضوع	: عقل‌گرایی (اسلام)
موضوع	: عقل‌گرایی
شناسه افزوده	: فکوری، حاجی یار، حسین، ۱۳۴۳ -
رده بندی کنگره	: ۳۹۲/۱۰۰۹ BP/ف۸۱۸
رده بندی دیویی	: ۱۰۰۲/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۳۱۸۷۹

اشارات به نام اندیشه

مشهد- بلوار کلاهدوز- کلاهدوز ۲۹- تورج ۱۵- پلاک ۲۷- تلفن: ۰۵۱۳۷۲۵۰۹۶۴

آموزش تفکر و خردورزی با رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی

محبوبه سلیمان پور - حسین فکوری حاجی یار

طراحی جلد: زهرا صفی نیا

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۱۶-۷۵-۹

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

حق چاپ برای مولفین محفوظ است

فهرست مطالب

۶	سخنی با خوانندگان
۷	مقدمه
۱۰	فلاسفه و تربیت
۱۵	مفهوم عقل
۱۹	ویژگیهای انی فرد متفکر
۲۲	آفات تفکر
۲۴	تفکر در بستر تاریخ
۲۴	سقراط
۲۵	افلاطون
۲۵	ارسطو
۲۶	دکارت
۲۶	جان لاک
۲۷	کانت
۲۸	جان دیوئی
۲۹	ژان پیاژه
۳۰	سخنانی در باب تفکر
۳۱	تفکر از منظر آیات قرآن
۳۸	تفکر از منظر نهج البلاغه و نهج الفصاحه
۳۹	بررسی نهج البلاغه در مورد تفکر تعقل و اندیشه
۴۵	ارزشهای والای اخلاقی
۵۹	تفکر از منظر احادیث و روایات
۷۸	جنود عقل و جهد
۸۱	جایگاه عقل و خردورزی در تعلیم و تربیت اسلامی
۸۶	ویژگی های اندیشه
۸۶	روشهای تربیت عقلانی
۱۰۶	راههای مقابله با تعصب
۱۱۷	سخن پایانی
۱۲۱	فهرست منابع فارسی
۱۲۵	فهرست منابع (انگلیسی)

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذر

سخنی با خوانندگان

در قرن بیستم، جهان تربیت، توجه عمیقی به مسأله آموزش احساس نمود. مباحث فلسفی مربوط به عقل و مزیت درست اندیشی به عنوان راه رسیدن به سعادت تا همین امروز یعنی هزار و پانصد سال بعد از افلاطون و ارسطو میان فیلسوفان جریان داشته و دارد. امروزه گروه کثیری از فیلسوفان آموزش و پرورش بسط نیروی تعقل را هدف اصلی آموزش و پرورش می دانند البته در این راستا دو نکته را باید در نظر داشت: اول اینکه اگر تعقل به معنای درست اندیشیدن است چطور باید میان تفکر خوب و بد تمایز قابل شد؟ و دوم اینکه هر چند عقل گرایی به مفهوم اندیشیدن وابسته است نباید تصور شود عقلایی بودن منحصر به دانشمندان و تفکران است. در این کتاب سعی بر آن بوده است به بررسی و اهمیت تفکر در منابع دینی بپردازد. در آیات قرآنی و روایات از حضرات معصومین (ع) اشارات و تاکیدات فراوانی درباره تفکر شده است. در این پژوهش، پژوهشگران سعی نموده اند که در ابتدا، مفهوم تفکر و نقش و جایگاه آن را از آیات قرآنی استخراج نموده و در حد امکان به تفسیر این آیات بپردازند و سپس تفکر را از دیدگاه نهج البلاغه و روایات و بزرگان را مورد بررسی قرار داده و در نهایت تفکر و خردورزی را در تعلیم و تربیت اسلامی تحلیل نمایند.

کتاب حاضر حاصل تلاش نویسندگان در راستای تحقق برنامه رسی محور بوده است. همچنین از علاقمندان و صاحب نظران درخواست می گردد که نظرات خود در مورد این کتاب را در اختیار مولفان قرار دهند تا نسبت به غنای هرچه بیشتر آن در چاپ بعدی، اقدام صورت گیرد.

دکتر محبوبه سلیمان پورعمران

دکتر حسین فکوری حاجی یار

بهار ۱۳۹۵

مقدمه

تفکر عظیم ترین دارایی بشریت و والاترین هدیه ای است که از طرف خداوند به انسان اهداء شده است و تنها علت و امتیاز و ملاک برتری انسان بر جمیع موجودات است. تفکر، کلید و نماینده و مبدء تمام علوم و معارفی است که به انسان می رسد و آئینه ای است که نیک و بد را به انسان می نمایاند. تفاوت انسانها به اندازه بهره مندی آن ها از قدرت تفکرشان و سستی آنها وابسته به قدرت فکری آنان است؛ که مولوی^۱ می فرماید:

ای برادر تو همه اندیشه ای مابقی تو استخوان و ریشه ای

گر بود اندیشه ات گل، گلشنی زر بود خاری، تو هیمه گلخنی

تفکر، در نزد انبیاء و اولیاء خدا چنان ارزشمند و با اهمیت است؛ که حضرت محمد(ص) فرمودند:

« تفکر ساعه افضل من عبادہ سبعین سنه »

فضیلت یک ساعت فکر کردن، از هفتاد سال عبادت بیش تر است.

این بیان حضرت رسول (ص)، بیانگر آن است که گرچه انسانها بالنسبه دارای توانائی بالقوه فکر کردن هستند، اما مهم به کار انداختن این توانائی است، تنها داشتن قوه تفکر

کافی نیست، تا زمانی که فکر در ذهن باقی بماند، تنها فکر است و به هیچ دردی نمی خورد چون اگر به عمل در نیاید چیزی در مسیر زندگی انسان عوض نمی شود، دنیا پر است از افکار گوناگونی که به عمل درنیامده است و به همین سبب فایده ای هم به صاحب فکر نرسانده اند.

بنابراین به کار انداختن اندیشه و درست اندیشیدن، لازمه استفاده صحیح از قوه تفکر است که آن هم در سایه ی آموزش و پرورش حاصل می شود. مهم این است که ما یاد بگیریم که چگونه فکر کنیم و چگونه بفهمیم.

از مهمترین موهبتی که خداوند به انسان عطا نموده است، قدرت تفکر و تعقل است. وجه ممیزه انسان از سایر موجودات قدرت تفکر اوست. در واقع قدرت تفکر انسان است که او را بر همه موجودات دنیا برتری داده است. تمامی اکتشافات اختراعات نوآوریها و پیشرفتهای علمی و صنعتی بشر در نتیجه به کار انداختن نیروی تفکر است. مهمترین تفاوت انسانها در به کارگیری نیروی تفکر، اندیشه آنهاست. به میزانی که انسانها در زندگی خود از تفکر و اندیشه بهره مند شده اند؛ به زندگی خود گسترش و توسعه معنی داده اند؛ به دیگران عشق و محبت ورزیده اند؛ برای همدان خود مفید بوده اند؛ از طبیعت و مواهب طبیعی، استفاده بهینه نموده اند؛ در عبادات الهی و آثار جدید و مفید اقدام نموده اند؛ به ارزشهای والای انسانی احترام گذارده اند؛ به تلاش و شادابی و سلامتی را تجربه نموده اند؛ اما به طور قطع پرورش تفکر به حوزه تعلیم و تربیت مربوط است و این تعلیم و تربیت است که می تواند هر چه بیشتر زمینه را برای تحقق عینی و عملی پرورش تفکر فراهم نماید.

به طور یقین، این مقدار استدلال در ضرورت انجام یک پژوهش علمی، در خصوص پرورش تفکر کفایت می کند و لیکن استدلال های دیگری وجود دارد که مختصراً به آنها اشاره می گردد.

پرورش تفکر منطبق به فطرت انسانی است و تمام ادیان الهی و در رأس آن اسلام بر اعمال مبتنی بر تفکر و تعقل تاکید و اصرار می ورزند.^۱

در قرآن کریم آمده است :

«و يجعل الرجس على الذين لا يعقلون»

داوند پلیدی را بر آنهایی که عقل خود را به کار نمی بندند قرار می دهد.^۲

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید^۳

« لا غنى كالعقل »

هیچ بی نیازی مانند برخورداری از عقل نیست .

و در جایی دیگر می فرماید:

«ان اغنى الغنى العقل»

سر آمد بی نیازی ها، برخورداری از عقل است .

پرورش تفکر بر تعریف اساسی از تعلیم و تربیت منطبق است . دکتر شریعتمداری^۴ تفکر را محور شیوه اساسی آموزش می داند. دسته دیگری از منحصران تعلیم و تربیت را «رشد قوه قضاوت صحیح» می دانند . منظور از قضاوت صحیح اظهار نظری است که با دلیل همراه باشد. جان دیوئی، مفهوم تعلیم و تربیت را چنین، بیان می دارد: «دوباره ساختن یا دوباره سازمان دادن تجربه به منظور اینکه معنای تجربه گسترش پیدا کند و

^۱ قسمت آخر آیه ۹۹ سوره بقره

^۲ نهج البلاغه ص ۱۱۰۲

^۳ نهج البلاغه ص ۱۰۹۴

^۴ شریعتمداری، ۱۳۸۲، ص ۸۸

برای هدایت و کنترل تجربیات بعدی فرد را بهتر قادر سازد.^۱

در جایی دیگر جان دیوئی تعلیم و تربیت را به عنوان رشد مطرح می سازد:

«تعلیم و تربیت مانند رشد، هدفی ورای خود ندارد؛ هدف از تعلیم و تربیت تعلیم و تربیت بیشتر است.»^۲

پرورش دیگر با مفهوم اساسی یادگیری منطبق است. در اینجا یادگیری به معنای تغییر رفتار از راه تجربه است و منظور این است که در سایه تجربه و فعال شدن شاگرد تغییراتی اساسی در عادات، گرایشها، نگرشها، تمایلات، شیوه برخورد و دانش فرد حاصل شود. در مفهوم اساسی یادگیری، شاگرد ضمن برخورد با مساله و به کار انداختن فکر خود به بررسی مفاهیم و طرح نظریات می پردازد و از این طریق هم نیروی تفکر خود را پرورش می دهد و هم معلومات لازم را کسب می کند.

پرورش تفکر منطبق بر ویژگی های ذاتی انسان مانند کنجکاوی، فهم عمیق، دید وسیع، تردید منطقی، سعه صدر، وحدت رویه، خروتنی، اتکاء به نفس و طرفداری از ارزشهای انسانی است. در سایه ی پرورش تفکر، فرد رضی موجود را به عنوان امر نهایی تلقی نمی کند و پیوسته در صدد ارزیابی امور است.

پرورش تفکر به ویژه در دانش آموزان مقطع ابتدایی، باعث می شود آنها در تمام مراحل زندگی و همچنین در زندگی روزمره خود از قبیل برخورد با دیگران، کسب درآمد، تعیین مخارج، گردش و تفریح و کلیه شئون زندگی، روش عقلانی را اتخاذ نمایند.

فلاسفه و تربیت

بررسی اندیشه های فیلسوفان از پشت قرن ها فاصله، بسیار جالب است، زیرا نشان

^۱ به نقل از شریعتمداری ۱۳۸۲، ص ۸۸

^۲ به نقل از شریعتمداری ۱۳۸۲، ص ۸۸

می‌دهد که فلاسفه همواره به دنبال تحول عمیق درونی در انسان بوده‌اند. آنان در پی تجلی امری فراسوی انبوه محفوظات بودند. گفته‌ی ابن‌سینا شاهدهی بر این مدعاست که می‌گوید: «آموزش اسلامی فعالیت حقیقت‌جویانه و در عین حال مبتنی بر ایمان است. فعالیت حقیقت‌جویانه، مسئولیت انسان است و به جهت متحول نمودن انسان انجام می‌گیرد» (زیباکلام، ۱۳۸۴: ۱۰). نقل قولی از پروفسور بارو، شاید بتواند در جمع‌بندی این بحث یاری‌رسان باشد که: «آموزش و پرورش در حقیقت باید مسئول رشد مردم به شیوه‌ای مباح باشد. انسان شاید با پرداختن به مسایلی فراتر از صرف انباشتن دانش، زندگی می‌پسندد» (بارو و ودز؛ ترجمه زیبا کلام، ۱۳۷۶: ۳۵) و آن چیزی نیست جز روش درست اندیشیدن، راه - رهنمندانۀ زیستن و کوشش برای شناخت هستی.

خرد و خردمندی را به معنای دانش تعمقی و کیفیت استفاده از تجربه و احساس و دانش برای قضاوت در باره درست، نادرست، نیک و بد، و تشخیص شایسته از ناشایست و حقیقت از ناحق دانسته‌اند. عقل و خرد، فرمانده حیات روانشناختی انسان است تا اصول و راهبردهای تربیت از سه سرچشمه حکمت، خرد و دانش گرفته شود و متناسب با واقعیتهای زندگی در درون فلسفه تربیت قرار گیرد. تعلیم و تربیت باید در آموزش اندیشه درست و تفکر و توانایی ارزیابی امور، نقش پررنگ خود را ایفا کند. متخصصان و معلمان باید آموزش ببینند که در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان را برانگیزند تا واقعیتهای زندگی روزمره را به مسائل بزرگتر ارتباط دهند و نه تنها برای عمومی را با واقعیتهای مشخص زندگی محک بزنند. برنامه‌های تربیتی اسلام شامل همه ابعاد وجودی انسان می‌شود و تمام نیازهای آدمی اعم از جسمی و روحی، دنیوی و اخروی در نظر گرفته شده است، از جمله پرورش نیروی تفکر، قدرت عقلانی و تأکید فراوان بر روی عنصر عقل و خرد که از ویژگیهای بارز و برجسته‌ی نظام تربیتی اسلام است. قرآن کریم، بیس از صد مورد، بشر را به فکر کردن، سنجیدن، پند گرفتن، توجه کردن و تأمل کردن فراخوانده و از عقل همچون موهبتی الهی و نوری رحمانی تحت عنوان پیامبر درونی انسان یاد می‌کند. تعقل و تفکر به مثابه قوه خلاق و پرسشگر آدمی که توانایی تجزیه،

تحلیل و انتخاب را به او می‌بخشد؛ از جایگاه بسیار بالایی در تعلیم و تربیت اسلامی برخوردار بوده تا جایی که تشویق به خردورزی و تفکر از آغاز با ضرورت تحقیق در اصول دین آغاز می‌شود.

تربیت انسان و چگونگی دستیابی او به کمال از دیر باز همواره مورد علاقه هر اندیشمند و نظریه‌پردازی بوده است. انسان همزمان با تلاش جهت فهم و شناخت خویش در پی پاسخ به سؤالات گوناگونی از قبیل این که چه عواملی زمینه‌ساز تربیت اوست، برهه است. به نظر اکثر فلاسفه اسلامی هدف از خلقت انسان تربیت و شکوفایی عقلی اوست. مظهر این تربیت، ورود به عالم انسانیت، تقرب به ذات احدیت و خدمت به خلق اوست. که در باب علم، دانش فی نفسه مقدس است، زیرا علوم و دانش‌های مختلف همه از یک منبع که همان منبع فیض بخش خاص الهی است، سرچشمه می‌گیرند. این علم‌جویی و حقیقت‌طلبی، شناخت‌های مادی و طبیعی شروع شده و در نهایت به شناخت حقیقت اصلی که جز ذات خداوند نیست منتهی می‌شود که شاید بتوان نام آنرا «هرم هستی» نامید (زیباکلام، ۱۳۸۱: ۱۱۳). در باب کسب دانش حقیقی و طلب خیر و حقیقت به عنوان هدف تعلیم و تربیت، از دیرترین زمان اندیشمندان تربیتی مانند افلاطون تاکنون تقریباً متفق‌القول بوده‌اند. کسب فضائل اخلاقی یا ارزشها و دانش همواره برای رسیدن به سعادت مهمترین اصل شمرده شده است. افلاطون تربیت عقلی را برای سعادت‌مندی کل جامعه توصیه می‌کرد. این تربیت از نظر اول، بسیار است از پرورش و بالفعل نمودن قوای عقل (که بذر آن در همه انسانها وجود دارد) که بید بر پایه فضایل اخلاقی استوار باشد و کسب علم را برای انسان متعهد به اخلاق صحیح توصیه می‌کند. ارسطو و سایر فیلسوفان مکتب مشاء، نیز معتقدند که، تنها عقل اصل مشخصی است که انسان را از حیوان جدا می‌کند و علت وجودی عقل انسان رسیدن به دانش و کسب معرفت است و اصولاً هدف از خلقت انسان کسب دانش و شکوفایی و اعتلای عقلی اوست. بازتاب اندیشه‌های افلاطون و ارسطو را در مشرق زمین در آراء فارابی و ابن‌سینا نیز می‌توان مشاهده نمود. «ابن‌سینا اولین فیلسوفی است که درباره آموزش و پرورش به

طور مستقیم نظر داده و می‌گوید افراد از زمانی که همسر اختیار می‌کنند در واقع تربیت فرزند را شروع کرده‌اند. به نظر او مهمترین نوع آموزش و پرورش، آموزش عقلی است که عبارتست از شکوفایی ذهن» (همان: ۱۰).

چنین سرآغازهای کلی و لازم خود نتیجه درک ماهیت یا ذات امور است، به عبارت دیگر انسانها وقتی چیزی را می‌دانند یا مطلبی را به معنای واقعی کلمه آموخته‌اند؛ به دانش حقیقی یا ذاتی در مورد آن دست یافته‌اند و لذا نه فقط آنرا می‌دانند بلکه می‌دانند که چرا و چگونه می‌دانند. پس مراد از فهم اینست که آنها واقعاً چگونه‌اند. بنابراین منظور از این مطالب، در مورد کسب دانش واقعی یا شناخت، اینست که روشن شود هدف واقعی از علم آموزی به هیچ وجه گردآوری اطلاعات نیست، بلکه درک حقیقت یا ذات امور است. شبیه این معنا را می‌توان در شعر مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (دفتر اول مثنوی شریف) یافت که دو نوع علم بر می‌شمارد؛ یکی آنکه بر دل می‌زند (باعث تحول می‌شود) و دیگری آنکه بر تن می‌زند و فقط مانند بار سنگین است:

علم چون بر دل زند یاری شود / چون بر تن زند باری شود

اندیشمند تربیتی دیگری به نام جان هنری نیومن^۱ نیز می‌گوید: «وظیفه یک جوان تنها جمع‌آوری اطلاعات و اندیشه‌ها نیست، او باید اطلاعات و اندیشه‌ها را در متنی جدا از آنچه دیگران ممکن است بفهمند، درک کند» (همان: ۸۰). و معتقد است، هدف از تعلیم و تربیت نباید ایجاد انسان دائرةالمعارفی باشد. دانش نباید با انباشتگی سنجیده شود، زیرا اطلاعات زیاد ذهن را فرسوده می‌کند. او معتقد است ما باید بر فراز دانش خود باشیم نه اینکه زیر وزن آن خم شویم (همان: ۱۱).

در ابتدای قرن نوزدهم، اندیشه‌های روسو (۱۷۶۲) و بیروانش پستالوزی و فروبل جای خود را در جهان تربیت باز کرد. در این دیدگاه، فرد موجودی خلاق و یکتا بود.

^۱ John Henry Newman